

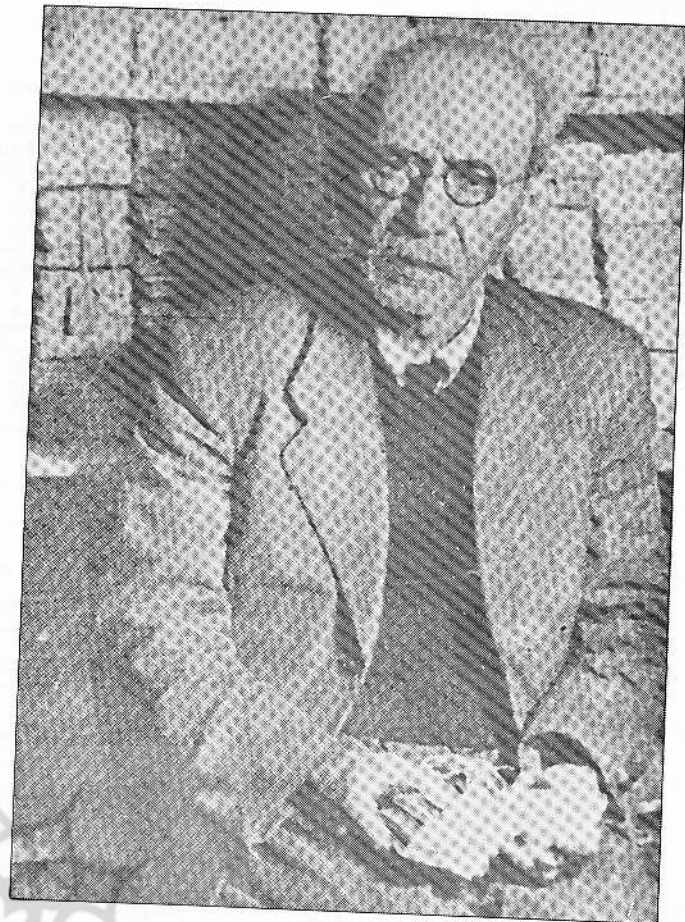
«مرا هیچ چیز از نام و نان به تحمل این تعب طولی  
جز مظلومیت مشرق در مقابل ظالمین و ستمکاران  
مغربی و نداشت، چه برای نان همه طرق به روی  
من باز بود، و با ابدیت زمان نام رانیز چون جاودانی  
نمی دیدم پای بند آن نبودم، و می دیدم که مشرق باید  
به هر نحو شده است با اسلحه تمدن جدید مسلح  
گردد، نه اینکه این تمدن را خوب می شمردم، چه  
تمدنی که دنیا را هزاران سال اداره کردمادی  
نبود.»

«یادداشت دهخدا برای مقدمه لغتنامه».

# دهخدا، یاد او، کار او

## سرگذشت لغتنامه دهخدا

کتابی که با عنوان «لغتنامه دهخدا» در بیست و شش هزار و چهارصد و هفتاد و پنج صفحه سه  
ستونی به قطع رحلی با تعداد شش هزار دوره امروز در دسترس فارسی زبان و فارسی دانان  
و فارسی خوانان است، و حدود نیمی از آن لغت است با معنی و شاهد، و نیم دیگر آن اعلام تاریخی  
و جغرافیایی، سرگذشتی دراز و خواندنی دارد، و با آنکه برآن پیش از اتمام مقدمه ای نوشته و مطالبی  
جالب تحریر کرده اند که جداگانه تجلید و نشر شده است (شماره ۴۰) و نیز با آنکه در جزوه ای که به  
سال ۱۳۵۴ ش. نشر یافته به گوشه ای از این سرگذشت و از جمله کیفیت کار دهخدا و همکاران  
ایشان و مؤسسه لغتنامه اشارتی رفته است، اما هنوز چنانکه باید و شاید این کتاب و محتوای آن و راه  
درازی که پیموده و پیمایشی که در آن طریق به یاری بنیانگذار اصلی کتاب شتافته اند شناساننده  
نگردیده است و اینست که بحمد الله و المنة طبع کتاب پایان گرفته است مناسب دید که با  
بهره گیری از برخی یادداشتهای پراکنده با زمانه در میان اوراق مرحوم دهخدا و نیز با استفاده از آنچه  
طی این سالیان دراز در بایگانی مؤسسه لغتنامه گرد آمده است به نوشتن این شرح پردازد، خاصه آنکه  
این اتمام کار مقارن است با صدمین سال تولد صاحب کتاب و مصادف است با مراسمی که به  
همین مناسبت برپا می شود و از جمله آنکه بزرگداشت او را قطعه تمیزی با عکس آن مرحوم چاپ  
کرده و در گردش گزارده اند و آثاری نیز از آن مرحوم زینت بخش مطبوعات شده است چون:  
«گزیده امثال و حکم» همراه با یادداشتهایی از مؤلف درباره مقدمه آن کتاب. (اسفندماه  
۱۳۵۸ ه. ش. به کوشش نگارنده).



مقدمه:

کلام از جمله و جمله از لغت شکل می گیرد و  
بجاست اگر بگوئیم که اساس کلام بر کلمه است.  
وسعت دامنه لغات و تعبیرات در یک زبان نسبت  
مستقیمی با توانایی آن زبان در انتقال مفاهیم دارد.  
از طرفی پیشگیری از آرایش زبان و بلاایش آن از  
آایشها، و طبقه خطیر ادیبان و دانشمندان در جهت  
حفظ اصالت زبان به عنوان بارزترین شاخصه هويت  
ملی است.

اینک که زبان فارسی پس از سالها بار دیگر  
می رود تا جایگاه خاص خود را در میان دستدرازش  
پیدا کند، ما نیز در جهت ادای وظیفه فرهنگی خود  
صفحاتی از مجله را به «لغتنامه دهخدا» که  
معروفترین و معتبرترین کار در این زمینه می باشد،  
اختصاص می دهیم.

لازم به تذکر است که متن لغتنامه بدون  
کمترین تغییر یا کم و کاستی، به تدریج از  
شماره آینده ارائه خواهد شد.

آنچه در پی می خوانید، ملخصی است از کیفیت  
تولد و رشد این اثر جاودانه ادب و فرهنگ پارسی به  
قلم دکتر سید مجید دبیر سیاقی.

«مقالات دهخدا» مشتمل بر (چندین پند-مجموع الامثال دخیو هذیانهای من-ویادداشتهای پراکنده). (اسفندماه ۱۳۵۸ ه.ش به کوشش نگارنده).

«مجموعه اشعار دهخدا» (اعم از اشعار چاپ شده در مجموعه سابق و نیز سروده‌های چاپ نشده آن مرحوم). (اسفندماه ۱۳۵۸ ه.ش. به کوشش نگارنده).

«خاطراتی از دهخدا و از زبان دهخدا». (آذرماه ۱۳۵۹ به کوشش نگارنده).

«نامه‌های سیاسی دهخدا» (آذرماه ۱۳۵۸ به کوشش آقای ایرج افشار).

ضمناً «مقالات سیاسی» آن مرحوم هم جمع آوری شده و آماده طبع گردیده است.

اینجا جا دارد اشاره شود که مقالات و اشعار و خاطراتی نیز از جانب ادبا و دانشمندان و اهل اطلاع در مجلات و روزنامه‌ها درباره لغتنامه دهخدا و بنیانگذار آن آمده است که کتابشناسی دهخدا را تکمیل می‌کند و همت بلند آقای محمد کلین جمع آوری این همه را طی سالیان دراز نهاد کرده است. باشد که همه این کوششها خوانندگان گرامی را به کار عظیم لغتنامه و کوششهای انسانی بنیانگذار آن و همکاران ایشان چون چراغی فرا راه آید و سودمندی دهد، و نیز شرح احوال دهخدا مفصلتر از آنچه در جزوه مقدمه سابق آمده است، در مقدمه مقالات و نیز در مقدمه مجموعه اشعار دهخدا این فایده را کمال بخشد، و یادداشتهای آن مرحوم درباره مقدمه لغتنامه، گذشته از آنچه در جزوه مقدمه (ص ۴ تا ص ۱۱) چاپ شده است و به دنبال این شرح نقل خواهد شد مزید آن سودمندیها گردد. دکتر سید مجید دبیرسیاقی.

### آغاز بی افکنی کتاب

بانه لغتنامه دهخدا ظاهراً در دوران جنگ جهانی اول، که بنیانگذار آن متواتراً در محال بختیاری می‌زیسته ریخته شده است، و به شرحی که در جزوه مقدمه آمده است و نیز در سرآغاز گزیده امثال و حکم آورده ایم، آنجا دهخدا کتابی می‌جسته است تا مؤسس تهیهی او شود، اما از همه کتب موجود در جهان آنجا جز لاروس کوچکی در دسترس نبوده است و پیداست که آن کتاب مختصر عیش مرد مشتاق مطالعه را فرو نمی‌نشاند، اما کتابجو دهخدا بود، مردی که آسپان آسان تسلیم تنگی و سائل نمی‌گشت، پس به همان لاروس پرداخت و معادلهای فارسی برای کلمات فرانسه جست و در کنار صفحات ثبت کرد.

در متن کتاب گهگاه مظهر با لغات ساده همدوش و هم‌پوشیده بودند و نظر خواننده را به خود می‌کشاندند، و دهخدای آشنا با مثل از کودکی و نوجوانی، دهخدایی که قلم مایه گرفته از پژوهش و تنبج را به جوانی روز در خدمت بیدارسازی جاهلان و غافلان و روساوسازی بیدادگران و حمایت مظلومان نهاده بود و از این کلمات عارف و عامی و آشنای هر برزنی و بازاری در مقالات و اشعار خود به فراوانی استفاده کرده بود، دهخدایی که به جادویی پودهای مثل را با تارهای خیال و وطنز در هم افکنده و باقیی خاص در نثر و شعر فارسی از این آمیختگی پدیدار ساخته بود، دهخدایی که نوبت دیگر همین کلمات را استخوانبندی سلسله مقالات اجتماعی و طنزآمیز «مجمع الامثال دخیو» گردانیده بود، اینکه در کلاسه بختیاری بار دیگر بار این کاروان معرفت را بر کران اوراق لاروس می‌گشاید، کالایی به ظاهر یادداشت گونه اما به باطن پرمغز و بنلادی.

پس از مراجعت از چهارمحال بختیاری به تهران در پایان جنگ جهانی اول (۱۲۹۷ ه.ش - ۱۳۳۷ ه.ق. ۱۹۱۸ م.) دهخدا با همتی چون کوه ثابت و عزمی استوار به کاروری می‌آورد و بی آنکه نیت انسانی خود را در حمایت از ستمدیدگان و تاختن بر بیدادگران از یاد ببرد، و باز بی آنکه از تخت فرماندهی ادب کهن فرود آید و از معماری کاخ ابداع و نوآوری تن زند کرتی به فروتنی و ادب تمام سردر کلبه‌های مردم کوی و برزنی می‌کند و دم به دم آنان می‌دهد و پای صحبت گرم و شیرینشان می‌نشیند و سخنشان را، حکمتشان را یعنی نتایج قطعی تدبیرهای بجای و آگاههای ژرف و دانشهای عملی و تجربه‌های سودمند و چاره‌گریهای مطمئن و راههای کوتاه و سهل‌گذرانان را چون دُر در گوش می‌گیرد و به خزانه حافظه می‌سپرد و نقش صفحه می‌سازد، و نوبتی دیگر با اعتنا و توجه خاص و چشم باز، چایک و تیزنگر، به کاوش در گنجینه‌های شعر و نثر کهن فارسی می‌پردازد تا سخنان مردم گذشته را از زوای قرون و اعصار به چشم سر در نقوش و خطوط کتابها ببیند و حکمت آنان را از زبان خودشان به گوش جان بشنود و آنچه از سخن کلام مطلوب خود یعنی «مثل» در درج سخن گذشتگان می‌باید بیرون کشد و برگنج انباشته در خاطر از برزنیان و بازاریان بپزاید و هر دو گونه را به استادی کنار هم نهد و ترمیمی بدیع و آرایشی نو از حکمت نوده و سخنان حکیمانه بسازد، ترمیم کنار هم آوردن کلمات فصیح ادبی با ساده سخنان عامه را، تا کلاه گوشه حکیمان توده گم بوده در زمان، و معنی سرایان پراکنده در کوی و برزنی قرون و اعصار را به آفتاب جانپخش ادب فارسی برساند و پرورونق کالایی ترتیب دهد که نام ظاهرش «امثال و حکم دهخدا» است، اما به باطن معنای است فشرده مدنیت و فرهنگ و آداب و رسوم ارزنده و اعتقادات راستین، و گوشه‌هایی از طرز زندگی و زیستن

به آزادی، و رعایت قواعد و قوانین حاکم بر روابط اجتماع و وضع معاشرتها و برخوردها، و از پیشرفتهای متناوب، و سر انحطاطهای گهگاهی، و خواص روحی و فکری خلق و عادات ستوده و ناستوده مردم این مرز و بوم، در سالیان بس دراز که به دست دهخدای سخنشناس درد آشنای مردم دوست معتقد منمن، با روشی ماهرانه و طرزی خاص دسته‌بندی شده و بسته‌بندی مرغوب یافته و با صورتی مطلوب عرضه گردیده است، آنچه‌ان که خواص را به کارآید و عوام را سودمندی دهد و آیندگان را مرده ریگ افتد.

اما این یکی از نتایج مطالعات پیگیر و عمیق دهخدا در ادب فارسی طی سالهای پس از جنگ جهانی اول است که به تألیف و نشر دوره امثال و حکم در چهار مجلد منتهی شده است. نتیجه دیگر آن غور در بطون کتب ادبی منظوم و منثور همراه با استخراج امثال است، برای بیرون آوردن حدود دویست هزار عنوان لغوی و دو چندان آن ترکیببات و کنایات و استعارات و اصطلاحات و استعالمات، مستند به بیستی از شاعری یا ابیاتی از شاعرانی، یا متکی به عبارت کاملی از نویسنده‌ای یا عباراتی از نویسندگان، اقدامی که تا حدی ابتکاری است، زیرا کار دهخدا بر نقل لغت از کتابهای لغت قدیم نهاده نشده است و منحصر به آن نگشته که آنچه فرهنگ‌نویسان دیرین در کتابهای خود آورده‌اند نقل و احیاناً جرح و تعدیل کند، بلکه تکیه اصلی کاروی بر کلماتی است که خود از متون شعری و نثری طی سالیان دراز بیرون کشیده و معانی به کار رفته در آن متون را زیر کانه دریافته و یادداشت کرده است، و البته در کنار این روش ابتکاری و نو از مندرجات فرهنگهای فارسی، یا فارسی و عربی، یا عربی به عربی نیز بهره‌ها گرفته و نقلها کرده است.

**کوشش برای تهیه مواد لغتنامه** عظیمترین کار دهخدا، به شرحی که گفتیم تهیه مواد لغتنامه است و این امر گذشته از تنظیم و تألیف و طبع قسمتی از کتاب که در حیات خود آن مرحوم صورت گرفت، کاری بوده است دشوار و واحدی چنانکه، زیرا غالباً بیش از دوازده ساعت در شبانه روز کار می‌بوده است، آن هم طی مدتی نزدیک به چهل سال، اما هنر آن است که این کار عظیم و توفرسای دهخدا مانند دیگر کارهای او انسانی و مردمی است و ناهمسانی با دیگر کارهای ادبی حتی سیاسی او ندارد، چه لغت که او گرد آورده است ابزار نقلی است و وسیله دادوستد معنوی

مردمان، و دهخدا در جمع آوری این ابزارها و نظم بخشیدن بدانها کاری عام و برای همه مردم نسل حاضر و نسلهای آینده در همه مکانها کرده است، یعنی برای همه فارسی زبانان و فارسی دانان و فارسی خوانان عصر حاضر و آینده جهان.

استخراج لغات از حدود نیمه اول دهه سوم قرن چهاردهم هجری قمری (۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰) و نیمه دوم دهه آخر قرن چهاردهم هجری شمسی (۱۲۹۵ تا ۱۳۰۰) آغاز شده و تا پایان حیات دهخدا (یعنی ۱۳۳۴ ه.ش. ۱۳۷۵ ه.ق.) ادامه داشته و نزدیک چهل سال زمان گرفته است.

ترتیب کار دهخدا در لغت‌نویسی چنین بوده است که ابتدا کتابی را از نظم (بیشتر یانثر کمتر) می‌خوانده است، البته با سرعت خاص و وقت لازم، که دو خصوصیت بارز او بود، و کلماتی را که لازم یا جالب می‌دید بر قسمت فوقانی قطعه کاغذی باطون و عرض تقریبی ۴×۵ سانتی متر (که اصطلاحاً بدان «فیش» یا «یادداشت» یا «برگه» گفته می‌شود) می‌نوشت، و سپس در متن کتاب زیر آن لغت نقل شده خطی می‌کشید که نمایانگر نقل آن کلمه باشد، و گاه نیز بدون کشیدن خط، بر زیر آن لغت علامتی شبیه عدد هفت بطور مورب می‌نهاد و سپس در حاشیه می‌نوشت است «نقل شد»، تا معلوم باشد آن لغت و نیز بیست یا عیارتی که لغت در خلال آن آمده است، بیرون نویسی شده است. آنگاه در قسمت تحتانی برگه‌ها (فیشها) بیستی را که لغت بیرون نویسی شده در ضمن آن آمده بوده است بانام شاعرش، یا عبارت متضمن لغت استخراج شده را با نام نویسنده‌اش، یا نام کتابی که عبارت به آن متعلق بوده، می‌نوشت است:

آزاد مرد

چنانکه در کرات در واقع

پارس رسیدیم از کرات

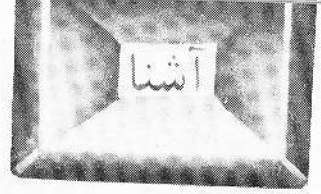
آن آزاد مرد، مغز ما

آزاد مرد

نگه کن به سیر آزاد مرد

سردینکنش را بنیاد کرد

آزاد مرد



در فاصله لغت و شاهد شعری پانثری، یعنی در وسط برگه ها (فیضها)، غالباً معنی یا معانی و مترادفات لغت را تحریر می کرده است:

دهخدا گاه لغاتی را که در خاطر داشته یا در مکالمه از این و آن می شنیده و یا در نوشته ای غیر از متون ادبی می دیده از راه احتیاط بر همان برگه ها یادداشت می کرده، و اگر معنایی برای آن بدون مراجعه به مآخذ، در خاطر داشته ثبت می کرده و یا اگر لازم می دیده شرحی یا مترادفی همراه آن می ساخته است که راهنما باشد، و پیداست که این گونه فیضها شاهد شعری یا نثری ندارد:

ازاد مردی .

قوت . قوریت .  
عردت . عوار .

مستند . نیارند .  
متوج . (صحن نفوس)

ای بت با رحیم بسته دکان قداب  
در خم عشق تو چیست چاره ننگ  
چیز چیز است این کارگاه بنده  
کجا تا دول زوکی مستند .  
(از صاحب نفوس)

مستنطق .

مستند .  
دست آویز .

گاه دهخدا در مطالعه کتابهای لغت و یا پس از مراجعه به کتابهای لغت، در مورد استعمال کلمه ای، یا معنای متداول شده برای کلمه ای، و یا در مورد ضبط کلمه ای نظری تازه می یافته و آن را بنظم می آورده است، اینگونه یادداشتهای نقد گونه را معمولاً بر فیضهای باریک و طولیل تحریر می کرده است.

در ثبت معانی، وقتی معنایی را که برای لغت استنباط کرده بوده قطعی می پنداشته، کنار آن معنی و در داخل دو ابرو حرف میم (م) ثبت می کرده است به نشانه و رمز مسلم بودن معنی استنباط شده، و به عبارت دیگر به علامت قطعیت صحت آن معنی برای آن کلمه:

لا . (فارسی)

توی . لای . قوه .

گند

قوله .

غالب کتابهایی را که دهخدا با این روش مطالعه و قیش برداری کرده است امروزه در کتابخانه مؤسسه لغتنامه (که خود آن مرحوم به دانشگاه تهران هدیه کرده است) می توان دید و اینک یک نمونه آن:

P. 7, 130

— ۲۶۱۰ —

C. 1926, 1927

دوش سواران جوش ووفان سیاهی همه غرغ در خود و کبر بخندید چون گل یکله یار مرآن یاره را پاشنه سیز سکود پرسید و آزادی اندر گرفت ابانج و لشکر نهی کرد گنج پیده درون روی مردم پید ز دینار آن خورش گشت شاد نهنه یکی ماه را ساخت جای چهارم جو بخرخت گیتی فروز نیاطوس را پیش او خواستند سران سه را همه پیش و کم کداند و مردان جنگ آذوق که آورد گیرند روز نیرد گزیده سواران خنجر گزول سواران گردن کش و درم گزول که برخ آفرید و زمین و زمین چه بر نامور قصر و کشورش	چو آمد پندیدار کرد سران همی بوخت فکر بگردار ابر دل خسرو از لشکر نامدار دل ووشن واد را نیز سکود نیاطوس را دید در ۱ بر گرفت ز قصر که برداشت زان گونه رنج بوزان روی سوی، عزاری کشید پرسید و بر دست او بر سه داد بیاورد اورا پیره سسری سخن گشود پیش او سه روز گزیده سراسی . پیدار استند ابانج و کت جنگی بهم بدیشان چنین گفت کاکبون سران نیاطوس گزید هفتاد مسرد که در زیر مر یک برتنی . زار چو خسرو پدید آن گزیده سپاه همی خواند بر کردگار آفرین همان بر نیاطوس و بر لشکرش
--	--

مقدیر آن لغت  
کجا از دست است تدا و کجاست  
لغت این بیهوده که قول کلمه  
مترادف کلمه دیگر بیهوده  
در یک از معانی متعدد و مختلف  
آن معانی را بطلان می دهد  
فقط صاحب برهان نیزید  
بنامت که آنرا خنجر  
و طوکیه زانی کلدغ خوانند  
آن بگرد که نیز گزیده سر  
گزیده سراسی که خنجر است و با  
و آن جانور است از  
جنس چلبا سه . اسبی .

کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از  
کتابی در ضربه هم که صدقه دم از



در مورد تهیه یادداشتهای اعلام تاریخی و جغرافیایی نیز حال بدین منوال بوده است، الا اینکه در این دسته از یادداشتهای کاردستیاران دهخدا بیشتر است. آن دسته از تراجم احوال یا اعلام جغرافیایی که دهخدا خود تهیه دیده یا دستیاران نخستین ایشان مانند مرحومان استاد احمد بهمنیار و استاد همانی آقای شامی و نیز همکاران بعدی مانند مرحوم محمد پروین گنابادی و آقای دکتر سید جعفر شهیدی آماده کرده بودند، غالباً بر برگه های بزرگ یعنی صفحات قابل ارسال به مطبعه (نه به صورت یادداشت و قیاس) نوشته شده است.

اورا که آنجا جدا و اکنون (۱۳۷۳ هـ ق)  
 در یکی از دیر فرسای به بخارا  
 نیند و از آنکس، که از فرزند  
 بدام چوین کند و این را که مشرق  
 خوانند و از هر فرسای که او باشند  
 و از هر که فرسای بدست آید  
 این را که از آن فرسای خوانند.

بجز این نیز نیست اند فرسای  
 بزرگ و دیر که هنوز در این  
 آباد و دزبان و از آن دور و باجم  
 و در میان و دیر که بر مکان و  
 سینکان و فرجان و راوشی و  
 ن و باورد و ناحیه طوس  
 در کجای طران و زمان و در  
 رایگان و بنوازه و دیر که  
 و در هر که و دیر که و دیر که

ابجد . [ آ م م م ] حسن بن  
 الشنبه . عقب به مستطی فیض جابر  
 ابجد . [ آ م م م ] حسن بن  
 حسن . . . . .  
 (خط مرحوم دهخدا).

در مورد تهیه یادداشتهای اعلام تاریخی و جغرافیایی نیز حال بدین منوال بوده است، الا اینکه در این دسته از یادداشتهای کاردستیاران دهخدا بیشتر است. آن دسته از تراجم احوال یا اعلام جغرافیایی که دهخدا خود تهیه دیده یا دستیاران نخستین ایشان مانند مرحومان استاد احمد بهمنیار و استاد همانی آقای شامی و نیز همکاران بعدی مانند مرحوم محمد پروین گنابادی و آقای دکتر سید جعفر شهیدی آماده کرده بودند، غالباً بر برگه های بزرگ یعنی صفحات قابل ارسال به مطبعه (نه به صورت یادداشت و قیاس) نوشته شده است.

قیاس نویسان بعدی اعلام را عموماً از تاریخ و جغرافیایی معمولاً از فهرس پایانی کتابهای نقل شده به قیاس نقل کرده اند:

قلم	موضوع
۱۳۶۷-۱۳۶۸	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۶۸-۱۳۶۹	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۶۹-۱۳۷۰	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۰-۱۳۷۱	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۱-۱۳۷۲	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۲-۱۳۷۳	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۳-۱۳۷۴	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۴-۱۳۷۵	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۵-۱۳۷۶	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۶-۱۳۷۷	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۷-۱۳۷۸	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۸-۱۳۷۹	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۷۹-۱۳۸۰	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۰-۱۳۸۱	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۱-۱۳۸۲	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۲-۱۳۸۳	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۳-۱۳۸۴	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۴-۱۳۸۵	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۵-۱۳۸۶	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۶-۱۳۸۷	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۷-۱۳۸۸	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۸-۱۳۸۹	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۸۹-۱۳۹۰	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۰-۱۳۹۱	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۱-۱۳۹۲	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۲-۱۳۹۳	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۳-۱۳۹۴	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۴-۱۳۹۵	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۵-۱۳۹۶	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۶-۱۳۹۷	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۷-۱۳۹۸	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۸-۱۳۹۹	تاریخ و جغرافیای ایران
۱۳۹۹-۱۴۰۰	تاریخ و جغرافیای ایران

و بدینگونه بود که طی چهل سال دهخدا با دستیاران و یاورانی که یافت (و نامشان در یادگارشان را در جای خود خواهیم آورد، تا باشد که سعیشان جز بهر معنی یا مادی که در یادگار برده اند مشهور آید) لغتنامه را پی دیزی کرد. حدود یک چهارم تا یک پنجم یادداشتهای لغتنامه دست خود دهخدا است، اما در مورد فیشهای اعلام این نسبت بسیار کمتر است. برگه ها و یادداشتهای لغت را، که کیفیت تهیه آنها را شرح دادیم، و شمارشان به دو میلیون برآورد می شود، گروهی دیگر بتدریج القیایی و در دسته های تقریباً صد برگه ای بسته بندی می کرده اند و سی و شش سال دوره تألیف و طبع لغتنامه (۱۳۲۴ تا ۱۳۵۹ هـ ق. ش.) خود دهخدا و دستیاران و همکاران او آنها را در اختیار می گرفته و مبنای تنظیم بخشی از لغتنامه و تألیف آن قرار می داده اند. این یادداشتهای و برگه های بسته بندی شده در یکی دو سال اخیر به همت یکی دو تن از اعضاء لغتنامه زیر نظر نگارنده، از انوالقیایی و شماره گذاری گردیده و در جعبه آینه هایی در مخزن بسته بندی داده شده است تا سندن و مدرک مندرجات لغتنامه باشد، و از تهیه کنندگان این خدمت نظیر یادگار بیاماند:

پیش از آنکه به چگونگی تألیف و تنظیم مطالب لغتنامه و چاپ آن بپردازیم جای آن دارد که، مطلبی جنبی اشاره کنیم و آن اینکه مرحوم دهخدا در خلال استخراج لغات یا امثال، هر جا در متن دیوانها یا آثار تشریحی، به تصحیف یا تحریفی در لغات و ترکیبات بر می خورده است، اگر بوقت به دست صورت صحیح آن می شده، آن صورت صحیح را در حاشیه کتاب نقل می کرده و اگر وجه درست لغت یا ترکیب را نمی یافته است روی آن کلمه دیگرگون شده و نادرست و نیز در حاشیه کتاب لغات پرشش (؟) می نهاده است، تا دیگران رابه نادرستی کلمه یادگروگون شدگی آن توجه داده باشند و نیز عمل مستمر خود یکی از پایه های کار دهخدا در زمینه تصحیح متنون نظمی و نثری بوده است. این نمونه آن:

**بالاباز**  
 بالوده بود سخت و بالابال دیگر چیزی بود سخت پانده [کننا]، دلیلی گوید:  
 ضرورت و هیبت شمشیر تو قرار گرفت  
 زمانه ای که بر آشوب بود و بالاباز  
 ملباش کم ز کسی کوسخن بدانند گفت  
 ز لفظ و معنی با هم همیشه بالابال [کننا]  
**شکال**  
 جنسی است ز روپاه و بسکه ماند و سرخ کرون باشد هموی او نیز با پوی  
 روپاه بیامیزند، فرخی گفت:  
 کجاحله او بود چه کوهی چه معانی کجاهیت او بود چه شیخی چه شکال  
**مکل**  
 گرمیت سیاه در آب و آنرا بتازی علق خوانند، لیبی گفت:  
 غلبه فروش خواجگه که مارا گرفت باد (؟)  
 بگر که داروش ز چه فرمود اند

